



صدای آخ مردم را بشنوید

در خبرها خواندیم که علی مطهری گفته: «معنی ندارد آخر ماه دولت به مردم پول بدهد، مردم باید کار کنند و به دولت پول دهند.» این حرف مطهری واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت؛ مثلاً عباس عبدی گفت: «چرا با این همه تورم یک نماینده هم آخ نگفت؟» ما نیز برای اینکه یک‌ه به قاضی نرفته باشیم، یک تگ با آخ مشهد رفتیم تهران و دور فلکه بهارستان و به قول تهرانی‌ها «دم» در ورودی مجلس ایستادیم و از نماینده‌هایی که داشتند می‌رفتند داخل صحن علنی مجلس، درباره اینکه چرا با وجود نرخ تورم آخ نگفته‌اند، سوال کردیم.

با هم جواب برخی نمایندگان به این سوال را می‌خوانیم:

-اتفاقاً من وقتی ارز گران شد، گفتم آخ! ولی چون چندصد هزار پیورو توی خونه داشتم، بعد گفتن «آخ»، یک «جون» هم گفتم!

-بندۀ نیز خدمت مردم حوزه انتخابیه خودم باید بگم که من هم آخ گفتم. حتماً می‌پرسید کی؟ همون روزی که خانوم موگرینی اومده بود صحن مجلس، توی اون شلوغی سلفی گرفتن با خانم موگرینی، یک نفر پامو لگد کرد که گفتم آخ! ولی متأسفانه چون خیلی سروصدا بود، هیچ رسانه‌ای صدای آخ مرا نشنید و آن را منعکس نکرد.

-از قدیم گفته‌اند ماهی رو هر وقت از آب بگیري، تازه است، لذا من عجله‌ای برای آخ گفتن ندارم. هنوز چند ماه تا آغاز تبلیغات انتخابات مجلس مانده است و من انرژی خودم را برای انتخابات کنار گذاشته‌ام. به شما قول می‌دهم توی تبلیغات نه تنها به‌خاطر تورم آخ خواهیم گفت که حتی به‌خاطر اشتغال و مسکن هم آخ‌آخ خواهیم کرد! خلاصه اینکه آخ گفتن از ما، رأی دادن از شما!

-ببینید ما نماینده‌ها عادت نداریم کاری را که هیچ تاثیری ندارد، انجام دهیم. من کاملاً مطمئن هستم آخ گفتن ما در این شرایط دردی را دوا نمی‌کند؛ چون بابت آخ گفتن، یک ریال هم به حقوقمان اضافه نمی‌شود.

-راستش من چندبار همان‌طور که روی صندلی مجلس نشسته بودم، می‌خواستم بگویم آخ، ولی به‌خاطر نمایندگانی که سمت راست و چپم نشسته بودند، ساکت ماندم. به هر صورت چهار سال صندلی‌هایمان کنار هم است و خوب نیست با آخ‌آخ گفتن، باعث بیدار شدن همسا‌ی‌هایم شوم.

-ببینید! ما نمایندگان حتی اگر یک درصد هم احتمال بدهیم آخ گفتن باعث می‌شود مردم به ما رأی دهند، طرح آخ گفتن اجباری مسئولان را با قید دوفوریت به رأی می‌گذاریم و مطمئن باشید که تصویب می‌شد.

-الان دیگر مردم به تورم عادت کرده‌اند و آخ‌آخ نمی‌کنند! ما نماینده‌ها هم که خودتان می‌دانید، چون از جنس همین مردم هستیم، آخ نمی‌گوییم! -اگر آخی معادل همان آخ باشد، من خودم هروقت دیده‌ام کمر مردم زیر بار گرانی خم شده است، گفته‌ام آخ!

-زمانی من هنگام سخنرانی در صحن علنی مجلس، خواستم موزه لوور فرانسه را تلفظ کنم ولی هرچه تلاش می‌کردم، اشتباه تلفظ می‌شد و باعث شد تا مدت‌ها به من بگویند تو که نایب‌رئیس گروه دوستی پارلمانی ایران و فرانسه هستی، چطور بلد نیستی اسم موزه لوور فرانسه را تلفظ کنی؟ الان هم خیلی دوست دارم در نطق پیش از دستور خودم بگویم آخ! ولی می‌ترسم اشتباه تلفظش کنم و لذا کلاً بی‌خیال آخ گفتن شده‌ام.

-حالا درست است که من درمورد مشکل تورم آخ نگفتم، ولی درمورد مشکل مسکن چندبار گفتم آخ. آخر شما نمی‌دانید حق مسکنی که به ما نمایندگان مجلس می‌دهند، خیلی کم است و با آن فقط می‌توان خانه رهن کرد و نمی‌شود خانه خرید!

- یک سال پیش یعنی همان شهریور ۹۷ زم‌مه‌هایی بود منی‌بر اینکۀ فیش حقوقی نمایندگان مجلس منتشر شود، باور کنید تا وقتی این قضیه فراموش شد، مدام آخ‌آخ می‌گفتم! ●

تولد یک فیک‌نیوز

وقتی دستان به اخبار جعلی و انتشار شایعات داغ فضای مجازی آلوده می‌شود



فضای مجازی یا کوبیدن لایک و نوشتن کامنت پای آن‌ها، به بزرگ شدن این دروغ‌های تازه متولدشده کمک می‌کنیم و بدون آنکه نفعی در ماجرا داشته باشیم، دست‌هایمان را آلوده می‌کنیم.

نقطه اصلی مقابله با فیک‌نیوز‌ها لحظه تولد آن‌هاست؛ جایی که هنوز پرو بال نگرفته‌اند و چاق نشده‌اند. آنجاست که باید از منبع و اعتبارشان پرسید، آن وقت است که باید با باقی اخبار مقایسه‌شان کرد، درست همان لحظه‌است که باید قبل از لمس کردن گزینه فوروار، کمی مکث کرد. اگر خودمان را از مثلث شکل‌گیری اخبار جعلی کنار بکشیم، این اخبار جعلی قدرت برهم زدن آرامش سیاسی و اجتماعی جامعه را پیدا نخواهند کرد و در همان نطفه خفه خواهند شد. ●

هرینه‌ای که برخی شایعات درست می‌کنند، گاهی آن قدر سنگین می‌شود که در تصور من و شما می‌گردد. این اخبار را برای دیگران بازگو می‌کنیم یا از طریق فضای مجازی به اطلاع‌شان می‌رسانیم، نمی‌گنجد.

بیایید کمی دقیق‌تر به بازیکانی که در این‌طور ماجراها نقش دارند، نگاه کنیم. یک طرف، رسانه‌های مغرضی هستند که منافع اقتصادی یا سیاسی‌شان در صدا‌ی‌شان را در نمی‌آورد؛ شستر دیدی ندیدی. او حالا در فیگور یک منتقد تمام قد که مخالف مذاکره و سیاست‌های خارجه است، گیر افتاده؛ فیک‌نیوزی که در درست‌کردنش سه‌هیم بوده، مثل یک بچه ناخواسته در ضلع سوم این ماجرا من و شما می‌قرار داریم که با بازنشر این اخبار در

رویه‌رو شد. دید مأمور بعد از چند ثانیه مکث، با ظریف‌خوش‌وبش می‌کند و بعد از آن وزیر و تیم‌همراهش به راه خودشان ادامه می‌دهند. ویدئو اصلاً ربطی به آنچه نوشته بود نداشت، ولی مگر می‌شد از فریب خوردن نوشت؟! اعتراف به اینکه گول یک ویدئو

تقطیع شده را خورده است، چه بلایی سر فالوئرهایش می‌آورد؟ انتشار ویدئو کامل هم کلی کامنت منفی خواهد داشت. بی‌خیال ماجرا می‌شود و سازمان ملل رو می‌گیره. برای تکمیل شدن کارش، آخر شب هم یک استوری چاشنی کار کرد: «ظریف وقتی داشت می‌رفت، دیدن تخت روانچی رو پلیس آمریکا متوقف کرده. اینم حاصل مذاکره». امروز وقتی تسوی تویتر می‌چرخید، با فیلم کامل برخورد آن مأمور آمریکایی با وزیر امور خارجه

① شروع به فوروار کردن خبر می‌کند؛ «ابتلای

۲۰۰ نفر به ویروس ایدز در روستای لردگان چهارمحال و بختیاری». تشنه اخبار بیشتر است؛ «مقصر فاجعه‌خانه بهداشت روستا بوده که از سرتگ آلوده استفاده کرده است». در همه گروه‌ها بحث راه انداخته و خودش هم میان‌دار است. چند ساعت بعد، درحالی‌که روی تشک دراز کشیده است، تکذیبیه رسمی خبر را می‌بیند. می‌خواند که وزارت بهداشت اطلاعیه داده و گفته ماجرا چیز دیگری است؛ مبتلایان چنده نفر هستند، نه چندصد نفر، و داستان ابتلا مربوط به امروز و دیروز و یک ماه پیش نیست، پای اعتیاد در میان است، نه آزمایش خون بهیاری؛ ولی دیگر گوشی بدهکار نیست. گروه‌ها پر شده‌اند از بحث و او هم دیگر حوصله مخابره اخبار و بحث جدید را ندارد. صبح که از خواب بیدار می‌شود، گوشی‌اش را برمی‌دارد. خبر اعتراض و از دست رفتن آرامش مردم در لردگان از کانال‌های تلگرامی‌اش سرریز می‌شود بیرون. با تعجب به بچه‌ای که در به دنیا آوردنش کمک کرده، نگاه می‌کند.

② بعد از آن توییت جنجالی فالوئرهایش بیشتر شده است.

تازه فیلم معانعت یک مأمور آمریکایی از تردد محمدجواد ظریف در سازمان ملل در فضای مجازی داغ شده بود که سریع دست به گوشی شد و نوشت: «دیلپاماسی دلت رو ببین که چطور مأمور آمریکایی جلو خروج ظریف از سازمان ملل رو می‌گیره». برای تکمیل شدن کارش، آخر شب هم یک استوری چاشنی کار کرد: «ظریف وقتی داشت می‌رفت، دیدن تخت روانچی رو پلیس آمریکا متوقف کرده. اینم حاصل مذاکره». امروز وقتی تسوی تویتر می‌چرخید، با فیلم کامل برخورد آن مأمور آمریکایی با وزیر امور خارجه

سودوکو پازلی

قوانین سودوکو کوی پازلی درست مثل سودوکو کوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودوکو معمولی ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکو کوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

شماره ۵۲

پاسخ شماره ۵۲

جدول ۲۷۸۴

وزیر شطرنج آهنگساز کف انگلیسی	از نیروهای چهارگانه ارتشی	پنهان تگرگ تویستده	خراشیدن ازاده مروارید سیاه	مهری به شور ترم کننده مزاج	از خطوط اطلا اسلامی فرزند نوه	از بالا به پایین
شیرینی رغمان بالا ترین رنگ			عروس خاورمیانه ظرف قهرمانی		مابه آهنگ کش چهارپا	جنش
ساز شاکلی سرمای شدید	چنین مرکز نگهداری احشام	عمل کنند علف هرز شهر خربزه		وینگر رتال مادری نام ترکی		
عنصر شیمیایی دشمنی کننده	دست آموز دلدادده رامین			یخ بستن		
	سلف فرورخته نوعی ساز		کدخدا	سربها	عز عنشی	
حرف مکرر عمومیت دادن		عمل کردن				
ایوار سرکار گداشتن کسی بهجا آوردن	دشت پنهانوار چله کمان					
	گل سرخ	علامت مفعولی				
کلام معنیر ثروت مند						

پاسخ جدول ۲۷۸۳

shahr.puzzle2783@shahrara.com

طراح: محمدرضا علیرزاده

با هم بشنویم،
در عشق
فرماندهی
ترانه‌اش از
کیه؟
فریاد
مشیری
آهنگ سازش
کیه؟
فرزان
پور عارف
مس‌و مالش
کیه؟
سنتی، کلابه
از عشق،
موسیقی
کوش نواز



حاضر جواب

آخرین خبر: تیر دلان خودرو به سنگ خورد.
مردم: بعدش هم کمانه کرد، خورد به ما!

باشگاه خبرنگاران جوان: توقیف ۱۲۶ دستگاه خودروی حامل دام غیرمجاز در خراسان شمالی در شش ماه نخست امسال.

مردم: البته برای ما که پول خرید گوشت را نداریم، تمام دام‌ها، دام غیرمجاز هستند!

جعفرزاده، نماینده مجلس: قطع یک‌باره یارانه، خطرناک است.

مسئولان: در عوض ما هم مرد خطریم!

حیاتی: چیزهایی هست که مردم نمی‌دانند!
مردم: ولی به لطف تلویزیون، الان درمورد اره به اندازه کافی می‌دونیم.

در دومین جلسه دادگاه «گروه عظام»، سابقه اختلاس متهم ردیف اول در سال ۶۶ روشد.

چهره ماندگار امسال از میان پیش‌کسوتان عرصه اختلاس، انتخاب خواهد شد.

کله ونگ

مُشتیا نخعی‌راد



کلاه‌قرمزی حق مؤیه!

دداش ایجور که نمشه وُردرن با احساسات مُو بَازی کُتن و بعد بَگنِ نمَدنم و نَشده و اوجور نَزفته و نخواستن و چکا نَزفته. مُو کلاه‌قرمزیم ره مخوام. ای حق مؤیه! با شمایم «ممد بحرانی» که اونجه تو کلاه‌قرمزی، بیعی بودی.

نمَدنم بر چی هر دَفه وُرمَدِرن یگ عروسک درست مَکُتن و ما مَت بچه خُردو یا مَشینم و جُل جُل کُردنِش ره تو تلویزیون نِگا مَکُتم، بعد یگ دَفه تعطیلِش مَکُتن. انا، او دَفه که تازه داشمَنم به جناب‌خان عادت مَکردم، نمَدنم چکا رفت که زدن تر کُودن و ایفَده کله‌وَنگ او یَر صَاحبا امتیازش رفتن که واز آمد و بعد، کلا خندونه رفت رو هوا. حالایم از تا مَپَرَسَن: «دداش چه خَبر از کلاه‌قرمزی؟ عید مَخِه پخش بره دَگه؟» ورمَدِری مَگه: «مُو چمَدنم بَخُندا. فک کُتم اینا با مسئولان تلویزیون آبشا تو یگ جوب نِمِره و بر همی بَگفتن ما مَوْخِرم بر اِشا عروسک بَگردونم. به نظر مَو بَخن دوباره یگ چیزِی ره برنَد کُتن، هَلاک مِرن. وُردِرن دوباره همینا ره بسازن، خوب مِره.»

دداش، تلویزیون ای چیزا حالیش نیست. اونجه هموجو قضاقر توکی یگ میز و صندلی گیرشا آمد و بَش چسبیدن. دَگه حوصله برنَدسازِی و ای مسقِرَه باز یا ره نِذرِن. مِرن یگ سلبریتی ره که فالوئوراش دره از پارو بالا مِره، گِبر میازن بَش مِگن دداش، وَخَر اینجه مَجری برو، او دَگه خودش قِیلا برنَد رفته و اینا فقط درو مَکُتن. مَدِرن یگ عروسک بَخِه برنَد بره، چَقَد زحمت دره؟ مَو اینا ره مِشَناسم، اوجور کار سَخْت ازشا نِمیه.

بعدش شَنقتم اَزَت مَپَرَسَن: «بر چی مردم، جناب‌خان ره ایفَده دُوست دِرن و کارش گیرفته؟» وُردشتی مَگتن: «توی شبکه نسیم یکم دست ما پری شوخی کردن واز تر بود. بعدش برامه رامید خُیلی بیننده دره و خوب دیده مِره.» دداش، اگه بحث شوخیه که بیا همین‌جه برات یگ سِستون تو همی ضمیمه پلخمون واز مَکُتم، اینجه همه بچه‌ها باجنیه و مشیتِن بَیا با هر کی خواستی، شوخی کن، فقط بیا، هِی نگو میام. ●